



مقام ولایت، نفس صفات و اسما الهی است/ فضائل حضرت امیرالمومنین(ع)

مقام ولایت، نفس صفات و اسما الهی است نه غیر از آن. بنابراین ظهور آن صفات و اسما، ولایت نامیده می شود. انتساب حضرت امیر به این صفات منافات با قدرت خدا ندارد، بلکه عین صفاتی است که در خداست.

مقام ولایت، نفس صفات و اسما الهی است نه غیر از آن. بنابراین ظهور آن صفات و اسما، ولایت نامیده می شود. انتساب حضرت امیر به این صفات منافات با قدرت خدا ندارد، بلکه عین صفاتی است که در خداست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب شریف امام شناسی از آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) است که از نظر می گذرد؛

مناقب حضرت علی ابن ابی طالب(ع)

مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی(ره) در کتاب شریف امام شناسی، جلد اول در مناقب حضرت علی بن ابی طالب چنین آورده است:

قندوزی گوید: در کتاب مناقب از عطیه بن سعد عوفی از مخدوج بن زبیر ذهلی روایت است که قال: تَزَلَّتْ آيَةُ اصْحَابِ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ. يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ اصْحَابُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَنْ اطَاعَنِي، وَ وَالِي عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَ احَدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَفِّ عَلِيٍّ فَقَالَ: اِنَّ عَلِيًّا مِثِّي، وَ اَنَا مِنْهُ، فَمَنْ حَادَهُ فَقَدْ حَادَنِي، وَ مَنْ حَادَنِي اسْحَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ: حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي، وَ اَنْتَ الْعَلَمُ بَيْنِي وَ بَيْنَ امَّتِي. قَالَ عَطِيَّةٌ: سَأَلْتُ زَيْدَ بِنِ اَرْقَمَ عَنِ حَدِيثِ مَخْدُوجِ قَالَ: اشْهَدُ اللَّهُ لَقَدْ حَدَّثَنَا بِه رَسُولُ اللَّهِ.

«مخدوج بن زبیر گوید: که چون آیه «ان اصحاب الجنة هم الفائزون» بر رسول خدا نازل شد، عرض کردیم: ای رسول خدا اصحاب بهشت چه کسانیند؟

فرمود: کسی که مرا اطاعت کند و علی را بعد از من سرپرست و صاحب اختیار خود قرار دهد. در این حال حضرت رسول الله دست علی را گرفته فرمود: حقا علی از من است و من از علی هستم؛ پس کسی که با او ستیزگی کند، با من ستیزگی نموده، و کسی که با من ستیزگی کند، خداوند عز و جل را بخشم درآورده است. و سپس فرمود: ای علی جنگ کردن با تو جنگ کردن با من است، و مسالمت با تو مسالمت با من، تو پرچم هدایت و نشانه رهبری هستی بین من و بین امت من!»

عطیه که این حدیث را از مخدوج بن زبیر شنید، می گوید، من از زید بن ارقم که او نیز از اصحاب رسول خدا بود، پرسش کردم: از این حدیث؛ زید گفت: خدا را گواه می گیرم که خود این حدیث را از رسول خدا شنیدم. (ینابیع المودة ص ۵۵)

و نیز قندوزی گوید: و فی المناقب عن جابر بن عبد الله رضی الله عنهما، قال لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: ان في علي خصالا لو كانت واحدة منها في رجل اکتفى بها فضلا و شرفا؛ « جابر بن عبد الله می گوید: من از رسول خدا درباره علی بن ابی طالب مناقب و فضائلی شنیدم که هر يك از آنها اگر در کسی یافت می شد، برای فضیلت و شرافت او کافی بود.»

وَ قوله: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ؛ «یکی آنکه فرمود: من مولای هر کس هستم علی مولای اوست.»

وَ قوله: عَلِيُّ مِثِّي كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى؛ «و دیگر آنکه نسبت علی با من مانند نسبت هارون پیغمبر با برادرش حضرت موسی است.»

وَ قوله: عَلِيُّ مِثِّي وَ اَنَا مِنْهُ؛ «و دیگر آنکه: علی از من است، و من از علی هستم.»

وَ قوله: عَلِيُّ مِثِّي كَتَقْسِي، طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي؛ «و دیگر آنکه مقام و منزلت علی نسبت به من مانند جان و نفس من است نسبت به من، پیروی از او پیروی از من و مخالفت با او مخالفت با من است.»

وَ قوله: حَرْبُ عَلِيٍّ حَرْبُ اللَّهِ، وَ سِلْمُ عَلِيٍّ سِلْمُ اللَّهِ؛ «دیگر آنکه ستیزگی با علی ستیزگی با خداست، و صلح و آشتی با او، صلح و

و قوله: وَلِيُّ عَلِيٍّ وَلِيُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّ عَلِيٍّ عَدُوُّ اللَّهِ؛ «و دیگر آنکه دوست علی دوست خدا و دشمن علی دشمن خداست.»

و قوله: عَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ؛ «و دیگر آنکه علی حجت خداست بر بندگانش.»

و قوله: حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ؛ «و دیگر آنکه مؤدّت و دوستی با علی ایمان و بغض با او کفر است.»

و قوله: حِزْبُ عَلِيٍّ حِزْبُ اللَّهِ وَ حِزْبُ أَعْدَائِهِ حِزْبُ الشَّيْطَانِ؛ «و دیگر آنکه جمعیت و طرفداران علی حزب خدا هستند، و جمعیت و طرفداران دشمنان علی حزب شیطانند.»

و قوله: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ؛ «و دیگر آنکه علی با حق است و حق با علی است: هیچ گاه از هم جدا نمی شوند.»

و قوله: عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ؛ «و دیگر آنکه علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است.»

و قوله: مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي، وَ مَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ؛ «و دیگر آنکه: کسی که از علی دوری جوید، از من دوری جسته و کسی که از من دوری بجوید از خدا دوری جسته است.»

و قوله صلى الله عليه و آله شيعته علي هم الفائزون يوم القيمة؛ «و دیگر آنکه پیروان و شیعیان علی، آنانند که رستگار خواهند بود.»

از مجموع این روایات استفاده می شود که حضرت رسول الله، هم از نقطه نظر باطن و معارف الهی و اطلاع بر اسرار غیبیه، و نیز از نقطه نظر ظاهر، در تمام شؤون علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام را در بیت خود و حرم خود که حرم خداست، جای داده و همیشه در سرّ و شهادت، و ظاهر و پنهان، با آن حضرت بوده، دو نفس بودند که از يك اصل منشعب شده اند بالاخص در آن فقره از روایت که فرموده است: لا يُوَدِّي عَتَى الا انا او علی؛ منظور آن است که این بار رسالت و هدایت مردم را بسوی خدا از نقطه نظر ظاهر و باطن، یعنی با سیطره بر نفوس و ملکوت آنها، کسی نمی تواند حمل کند، مگر خود من یا علی.

و بنابراین آن حضرت در تمام مقامات و درجات رسول خدا شریک بوده است؛ يك درجه، مقام حمد و بدست داشتن لوای حمد است، که طبق روایات بسیاری آن لوا بدست امیرالمؤمنین است، یعنی کسی مانند آن حضرت خدا را نشناخته؛ و بنابراین نتوانسته خدا را آنطور که سزاوار مقام عالی و رفیع اوست حمد کند، و همچنین مقام شفاعت در روز قیامت بدست آن حضرت و ذریّه و رسول خداست.

ما طی مباحث گذشته بعضی از مقامات امیر المؤمنین را نقل کردیم، مانند آنکه آن حضرت قسمت کننده بهشت و دوزخ است، و پروانه عبور دهنده از صراط و ساقی کوثر و نیز مقام شفاعت و میزان عمل.

انتساب حضرت به این صفات منافات با قدرت خدا ندارد

باید دانست که انتساب حضرت به این صفات منافات با قدرت خدا ندارد، بلکه عین صفاتی است که در خداست؛ و بواسطه اعطاء به امیرالمؤمنین (ع) از خدا منسلخ و جدا نشده، و خدا بیکاره نگشته؛ بلکه عین صفات خداست که از آن حضرت که دارای ولایت کبری است ظهور می کند؛ بلکه نفس ولایت عین تجلیات و ظهورات حضرت حق است.

پس آنچه هست راجع به خداست و بس و در مقام ولایت صرفاً نیاز و احتیاج به ذات مقدّس اوست؛ همین طوری که در این عالم ماده که موجودات مقدر و محدودند، علم و قدرت در بین آنها قسمت شده و هر موجودی به فراخور حال و وسعت خود بهره ای گرفته است و این تقسیم منافات با وجود منبع علم و قدرت و حیات در خدا نیست و قسمت کننده اینها جز خدا نیست و ظهورات تقسیم در هر مرحله عین ظهورات خداست و بس؛ همانطور در عالم ملکوت و عقل، قسمت کننده خداست و بهره و تقسیم از صفات و اسمای او خارج نیست؛ و مقام ولایت که تقسیم علوم و معارف و حیات را بر دلها می نماید همان عمل خداست و بس؛ «و ما تشاءون الا ان یشاء الله»؛ (سوره دهر آیه ۳۰) بنابراین در قیامت که عالم ظهور و بروز است هیچ کس جز مشاهده قدرت و عظمت و حیات خدا مشاهده دیگر ندارد؛ و تمام موجودات در مقابل آن ذات مقدّس صفر و فقیرند.

«يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ»؛ روز قیامت روزی است که همه مردم ظهور و بروز دارند و چیزی از آنها بر خدا مخفی نخواهد بود. (سوره غافر آیه ۱۶)

«وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»؛ و بروز و ظهور پیدا کردند برای خداوند واحد قهار. (سوره ابراهیم آیه ۴۸)

«وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ و اگر می دیدند افرادی که ستم روا داشته اند، در آن وقتی که عذاب را مشاهده می کردند، که تمام مراتب قوت و قدرت اختصاص به خدا دارد. (سوره بقره آیه ۱۶۵)

و بالجمله تمام صفات و اسماء خدا که در قرآن مجید حصر شده است مانند:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»؛ به درستیکه حقا خداوند تنها روزی دهنده است و او دارای قوت استوار است. (سوره ذاریات آیه ۵۹)

«وَلِلَّهِ الْحَمْدُ» تمام مراتب و درجات ستایش و تمجید (از هر موجودی به هر موجودی) اختصاص به ذات خدا دارد. (سوره جاثیه آیه ۳۶)

«وَاللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»؛ خداست که هیچ معبودی و مقصودی جز او نیست (سوره بقره آیه ۲۵۵)

«وَهُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»؛ اوست تنها موجود زنده و قوام همه کائنات (سوره بقره آیه ۲۵۵)

«وَأَنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» به درستی که اوست که تنها و فقط شنوا و بیناست. (سوره اسراء آیه ۱)

«وَأَنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (سوره دخان آیه ۶)

در آن عالم ظهور نموده و انحصار آنها به ذات آنها به ذات مقدس حق مشهود است. مقام ولایت، نفس آن صفات و اسماء است نه غیر از آن و بنابراین ظهور آن صفات و اسماء به ولایت نامیده می شود و بس.